



زبان اشارت



مروری بر سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه؛ از قرن پنجم تا اوایل قرن هشتم

یکی از ارزشمندترین سرمایه‌های فرهنگی ایران، میراث مکتوب متصوفه و عرفاست. اغلب صوفیه و اهل عرفان، علاوه بر غور در مبانی تصوف و اشتغال به سلوک عملی، در علوم دینی و همچنین در عرصه ادبیات و شعر نیز دستی داشته‌اند. در تاریخ ادبیات ایران، در میان عالی‌ترین نمونه‌های شعر و نثر فارسی، آثار متصوفه تراز اول دیده می‌شود و مکتوبات اهل تصوف معمولاً جزء شاهکارهای ادبی ایران قرار می‌گیرد. اگرچه اغلب آثار به‌جای‌مانده از قرون اولیه اسلامی از متصوفه، به زبان عربی است، اما رفته‌رفته از اواخر قرن چهارم، نوشتن به زبان فارسی در میان اهل تصوف رواج بیشتری گرفت و آثار بسیاری به زبان فارسی با مضامین عرفانی و ذکر مناقب اهل تصوف به نگارش درآمد. هم‌زمان، ادب صوفیه در شعر فارسی نیز پررنگ‌تر شد و نثر و شعر فارسی از قرن پنجم به بعد شاهد آفرینش شاهکارهایی با مضمون صوفیانه گردید.

از آنجا که کتاب‌های فارسی متصوفه اغلب زبانی پالوده دارند، علاوه بر تحلیل مضامین و شرح نکات عرفانی و لطایف معنوی مندرج در آنها، بررسی این آثار از لحاظ زبانی و سبک‌شناسی، برای علاقه‌مندان به مطالعه زبان فارسی و متخصصان سبک‌شناسی و زبان‌شناسی حاوی نکات مهمی خواهد بود. یکی از پژوهش‌های ارزنده در باب تحلیل و توصیف سبک‌شناسانه آثار منثور صوفیانه که اخیراً توسط دانشگاه شهید بهشتی منتشر شده، کتاب ارزشمند سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه، به قلم استاد گران‌قدر، آقای دکتر محمد غلامرضایی است. در این کتاب آثار منثور صوفیانه قرن پنجم تا اوایل قرن هشتم، یعنی دقیقاً دوره اوج شکوفایی نگارش

بهمن خلیفه



* سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه (از قرن پنجم تا اوایل قرن هشتم: کلیات).

* دکتر محمد غلامرضایی.

* چاپ اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.



فارسی در حوزه ادب صوفیه، بررسی شده و متن آثار به دقت از نظر عناصر سبکی و ویژگی‌های نگارش این نوع آثار تجزیه و تحلیل شده است.

کتاب در ۶ بخش سامان یافته است:

۱. کلیات، ۲. آثار منثور متصوفه، ۳. تأثیر مفاهیم و دیدگاه‌ها در نثر متصوفه، ۴. بعضی شیوه‌های طرح و توضیح مطلب در نثر متصوفه، ۵. مقتضای حال در نثر متصوفه، ۶. بعضی وجوه بلاغی در آثار متصوفه.

در بخش اول، در ۲ فصل، مقدمات ورود به موضوع اصلی پژوهش فراهم آمده است. طبیعتاً پیش از ورود به بحث اصلی، ارائه اطلاعاتی مختصر درباره اوضاع تاریخی و اجتماعی ایران از سده‌های آغازین پس از اسلام تا پایان دوره مغول و نیز کلیاتی در باب تصوف لازم است.

در فصل اول، که به اوضاع تاریخی و اجتماعی ایران تا پایان دوره مغول اختصاص دارد، ورود اسلام به ایران و اوضاع اعراب پس از ورود به ایران و کمرانی‌های حکومتگران عرب و وضعیت مردم در شهرهای ایران و پیامدهای اجتماعی این شیوه سلوک در برخی نواحی ایران و قیام‌های متعدد در خراسان و روی کار آمدن بنی‌عباس و ادامه قیام‌ها و شورش‌ها و سرکوب همه این قیام‌ها به اختصار روایت شده است. در بررسی این تحولات نشان داده می‌شود که خراسان شاهد بیشترین قیام‌ها بر ضد امویان و عباسیان بوده است. استقرار حکومت مأمون در خراسان، آغازگر حکمرانی خاندان ایرانی طاهریان بوده است. برخی اقدامات اصلاحگرانه حکومت طاهریان، مانع از برپیده شدن آنها نشد. یعقوب لیث، که سیاستی ضد عرب داشت و با خلفای بنی‌عباس در ستیز بود، چند سالی حکومت صفاریان را در آن نواحی دوام بخشید. پس از آنها، سامانیان بر خراسان و ماوراءالنهر و سیستان مسلط شدند. عالم‌پروری و دانش‌گستری سامانیان و تسامح آنان در مسائل علمی و عقیدتی، اندکی به وضعیت آشفته فرهنگی ایران در آن نواحی سامان داد.

در همین دوران بود که اقوام ترک‌نژاد به قلمرو سامانی مهاجرت کردند. پس از سر بر آوردن سبکتکین و استقرار حکومت محمود غزنوی و لشکرکشی‌ها و سپاه‌آرایی‌های پرهزینه، اوضاع ایران آشفته‌تر شد و بی‌ارجی دانش و سخت‌گیری بر حکیمان در دوره غزنویان بویژه اوضاع فرهنگی ایران را آشفته‌تر کرد. روایت دکتر غلامرضایی از اوضاع و احوال مردم ایران و بی‌تدبیری‌های حکام ایرانی و غیر ایرانی و گه‌گاه حُسن سلوک برخی حاکمان محلی، به اختصار تمام با شرح دوره حکمرانی دیلمیان در جنوب و آل‌بویه در شمال و سلجوقیان در خراسان و خوارزم و بخارا ادامه می‌یابد. قرن‌های پنجم و ششم، که به روایت نویسنده، عصر توسعه دانش،

بویژه دانش دینی، بود، البته از نزاع فریق مسلمان و آزار و تعقیب اهل مذاهب خالی نبود. رواج تصوف و گرایش برخی حاکمان و وزیران به صوفیه در دوران سلجوقی و خوارزمشاهی، آغاز تحولات بعدی در این حوزه فکری بود.

در ادامه، ریشه‌های رواج و اقبال مردم به تصوف بررسی شده و مثلاً سخت‌گیری‌های مذهبی و تعصبات دینی، که همه باعث رکود علم و تسلیم مردم به قضا و قدر می‌گردید، از جمله علل آماده شدن زمینه برای رشد تصوف و توسعه تعلیمات متصوفه ذکر شده است. پس از آن، در باب رواج اعتقادات فرقه‌های مذهبی دیگر، از جمله یهودیان، مانویان، بوداییان، زردشتیان و ...، سخن به میان آمده و روشن شدن آتش فتنه چنگیز و حمله خانمان سوز او و تبعات دهشتناک اجتماعی و اقتصادی و رخنه فساد در همه زوایای اجتماعی در ایران بررسی شده است.

در فصل دوم از این بخش، از تصوف و نحوه تکوین آن و مؤلفان برجسته صوفیه سخن به میان آمده است. در این گفتار، عمده مسائلی که مورد بحث قرار گرفته‌اند، از این قرار است:

معرفت عرفانی و جایگاه آن میان معارف بشری، آغاز تصوف در اسلام و عوامل رواج زهد در قرن اول هجری، تکامل مباحث نظری تصوف با کسانی چون جنید و حلاج و ...، آشنایی متصوفه با اعتقادات بودایی و فریق دیگر، عرفان عابدانه و عاشقانه، مکتب تصوف بغداد و ظهور برخی بزرگان متصوفه در آنجا، مکتب تصوف خراسان و حضور پیروان برخی ادیان در آن نواحی، ظهور برخی بزرگان صوفیه و صاحبان نظریه‌های تصوف، همچون ادهم و بایزید و ابونصر سراج و کلابادی و ابوعبدالرحمن سلمی و ابوالحسن خرقانی و ابوالقاسم قشیری و هجویری و خواجه عبدالله انصاری و احمد جام و ابوسعید ابوالخیر و ... در خراسان. همچنین علل رواج تصوف در ایران بررسی شده و مثلاً حوادث تلخ تاریخی و فقر و سخت‌گیری حاکمان و اختلافات و نزاع‌های فرقه‌ای از این علل دانسته شده است.

دکتر غلامرضایی به صراحت پذیرش تصوف از سوی مردم و همگانی شدن آن را نوعی عکس‌العمل گروهی از اقشار جامعه علیه نزاع‌های فرقه‌ای و مذهبی دانسته است. از دیگر علل، ناامیدی مردم و سرخوردگی آنان از دانشمندان دینی متمایل به ظواهر دنیایی و راغب به قدرت و طبقه حاکم، تأثیر شیوه تبلیغ و زبان صوفیانه و پرهیز متصوفه از تملق و دوری آنان از قدرت و ثروت مورد بحث قرار گرفته است.

شرح مخالفان متصوفه، از جمله علمای دینی، متکلمان و فلاسفه و برخی کارگزاران حکومتی و بازتاب منازعات مؤلفان صوفیه با مخالفان و ذکر نمونه‌هایی از این بازتاب‌ها و آثاری که دو طرف علیه یکدیگر نوشته‌اند، از جمله مباحث مهم و کلیدی این فصل است.

بررسی اوضاع صوفیه و رواج تفکر صوفیانه در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم و رونق بیشتر متصوفه به سبب حمایت گروهی از وزیران و حاکمان و گسترش قلمرو نفوذ صوفیه در قرن ششم تا شام و آسیای صغیر و ادامه رغبت برخی حکمرانان مغول به بزرگان و مشایخ صوفیه و ظهور بزرگ‌ترین نظریه‌پرداز عرفان اسلامی، شیخ اکبر، ابن عربی (فوت: ۶۳۸)، و پیدایش خانقاه و خانقاه‌نشینی از دیگر مباحث این فصل است.

در بخش دوم کتاب، که به آثار منشور متصوفه اختصاص دارد، نویسنده در نهایت دقت و موشکافی، آثار منشور صوفیه را از دیدگاه‌های مختلف و متنوع طبقه‌بندی کرده است. پیش از دسته‌بندی این آثار، بحثی تازه درباره برخی عناصر و عوامل مؤثر بر شیوه نثر کتب متصوفه ارائه شده است. از جمله این موارد، اینها ذکر شده است: ۱. هدف از تألیف کتاب‌ها، ۲. مخاطبان، ۳. موضوع، ۴. دید و شیوه تفکر، ۵. مبارزه با عادت و تقلید، ۶. تحصیلات و سنت‌های مدرسه.

دکتر غلامرضایی ذیل هر کدام از این عناوین، چگونگی تأثیر این عوامل بر نحوه نوشتار و شیوه نگارش نویسندگان آثار را دقیقاً بررسی کرده و با ذکر شواهد، بر غنای بحث افزوده است.

پس از این بحث، یک طبقه‌بندی از نظر موضوع، از نثرهای متصوفه ارائه شده است:

الف. نثرهای تعلیمی و تبلیغی، شامل این زیر گروه‌ها: ۱. تفسیرهای صوفیانه، ۲. تذکره‌های صوفیانه یا کتاب‌های مقامات یا سیره مشایخ، ۳. معارف و مقالات، ۴. مجالس، ۵. داستان‌های رمزی، ۶. مکتوبات.

ب. نثرهای تغزلی.

یک طبقه‌بندی دیگر از نظر صورت و شکل و شیوه عرضه مطلب: الف. رساله و کتاب، ب. گفتار، ج. مکتوب‌ها.

پس از این طبقه‌بندی‌ها، یک بحث تفصیلی درباره انواع نثر متصوفه از نظر صورت و محتوا ارائه شده است. در این بخش، ذیل این عناوین، شرحی جامع درباره آثار متصوفه در هر کدام از شیوه‌ها و انواع ارائه شده و نمونه‌های هر کدام بررسی شده است: ۱. نثرهای تعلیمی، ۲. تذکره‌ها، ۳. تفسیر، ۴. مقالات، ۵. مجالس، ۶. مکتوبات، ۷. نثرهای تغزلی، ۸. اصطلاحات.

فصل دوم این بخش به معرفی آثار متصوفه اختصاص دارد. آثار صوفیانه متصوفه به ترتیب تاریخ فوت نویسندگان ذکر شده و شرحی در باب هر کدام آمده است. مجموعه آثاری که در این بخش معرفی شده، چنان که نویسنده متذکر شده، ۱۲۷ کتاب و رساله از ۶۳ نویسنده است که ۲۴ تن از آنان از نواحی مرکزی و جنوبی و غربی ایران قدیم و آسیای صغیر و هند برخاسته‌اند و بقیه از خراسان قدیم و نواحی شرقی و شمال شرقی. ۱۵ اثر، ترجمه،

یا ترجمه و تلخیص و بقیه تألیف؛ ۳۱ اثر به تقاضای اصحاب یا مریدان یا شخصی خاص تألیف شده و بعضی از آنها پاسخ به پرسش است؛ ۶ اثر به نام کسی شده است. در میان این مجموعه، ۱۵ تذکره (۵ تذکره عمومی و ۱۱ تذکره فردی) است، ۳ اثر تفسیر و ۷ اثر مکتوب، ۷ اثر از نوع مقالات و معارف، ۲ اثر از نوع مجالس و یک اثر اصطلاحنامه است. ۸ کتاب و رساله را می‌توان از آثار تغزلی صرف دانست و ۹ اثر را از نوع آثار رمزی و تمثیلی. نویسندگان و آثار آنان بدین شرح است:

ابن سینا (حی بن یقظان)، مستملی بخاری (شرح التعریف)، ابوالحسن خرقانی (نور العلوم)، خواجه عبدالله انصاری (طبقات الصوفیه، رساله چهل و دو فصل، صد میدان، محبت‌نامه، رساله ذکر، رساله واردات، پرده حجاب حقیقت ایمان، الهی‌نامه، من مقالاته فی الموعظة لنظام الملک الطوسی، کلمات، کنز السالکین، قلندرنامه، سؤال دل از جان)، هجویری (کشف المحجوب)، ابوالفضل محمد بن احمد (بستان العارفين و تحفة المریدین)، شیخ ابوالحسن بستی (رساله در شرح کلمه لا اله الا الله)، ابوبکر احمد بن محمد بن زید طوسی (تفسیر سوره یوسف)، امام محمد غزالی (کیمیای سعادت، نصیحة الملوک، فضائل الأئمة من رسائل حجة الاسلام)، ابونصر طاهر بن محمد خانقاهی (گزیده در اخلاق و تصوف)، احمد غزالی (رساله الطیر، سوانح رساله عینیه، نامه‌ها و وصیت، بحر الحقیقة)، میددی (کشف الأسرار و عدة الابراز)، عین‌القضاة (تمهیدات نامه‌ها و لویاح)، سمعانی، شهاب‌الدین ابوالقاسم احمد بن المظفر منصور (روح الأرواح)، خواجه یوسف همدانی (رتبه الحیات)، احمد جام (انس الثائین، روضة المذنبین، مفتاح النجاة، سراج السائین، بحر الحقیقة، کنوز الحکمة، رساله سمرقندیه)، جمال‌الدین ابوروح (حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر)، ابوحفص عمر بن حسن سمرقندی (منتخب رونق المجالس)، سنایی (مکاتیب)، قطب‌الدین ابومنصور عبادی (التصفیة فی احوال المتصوفة، مناقب الصوفیة)، سدیدالدین غزنوی (مقامات زنده‌بیل)، شیخ اشراق (رساله الطیر، آواز پر جبرئیل، عقل سرخ، روزی با جماعت صوفیان، فی حالة الطفولیة، فی حقیقة العشق یا مونس العشاق، لغت موران، صغیر سیمرخ، بستان القلوب یا روضة القلوب)، محمد بن منصور (اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید)، قشیری (ترجمه رساله قشیری)، برهان‌الدین ابومنصور عثمان بن محمد بن محمد اوزجندی (مرتع الصالحین و زادالسالکین)، شیخ روزبهان (عبر العاشقین، شرح شطحیات)، عطار (تذکره الاولیاء) نجم‌الدین کبری (آداب الصوفیه)، بهاء‌ولد (معارف)، برهان‌الدین محقق ترمذی (دو رساله در تفسیر)، شمس تبریزی (مقالات)، ابوالفتح محمد فرزند شمس‌الدین مطهر فرزند شیخ احمد جام (حدیقة الحقیقة)، سعدالدین حموی (المصباح فی التصوف)، تاج‌الدین محمود اشنوی (غایة الامکان فی درایة المکان، پاسخ به

چند پرسش)، نجم‌الدین رازی (مرصاد العباد، رساله عشق و عقل، مرموزات اسدی، رساله الطیور)، محمد بن احمد جوینی (مناهج السیفیة)، سیف‌الدین باخرزی (رساله‌ای در باب عشق)، شیخ زکریا مولتانی (رساله در بیان طریقت آخرت)، مولوی (فیہ مافیہ، مکتوبات مولانا جلال‌الدین رومی، مجالس سبعة)، سعدی (رساله در عقل و عشق، مجالس)، فخرالدین عراقی (لمعات، رساله اصطلاحات)، مؤیدالدین جندی (تحفة الروح و تحفة الفتوح)، مناقب اوحدالدین کرمانی، از مؤلفی ناشناخته، عزیزالدین نسفی (کشف الحقایق، الانسان الكامل، بیان التنزیل، مقصدالاقصی، زبدة الحقایق، کشف الصراط)، مناقب حاتمی جوینی، از نویسنده‌ای ناشناخته، محمد بن احمد بن محمد جوینی (مقاصد السالکین)، تحفة الاخوان، از نویسنده‌ای ناشناخته، ضیاءالدین ابوالنجیب سهروردی (ترجمه‌ای از آداب المریدین او از عمر بن محمد بن الحاج محمد بن ابی‌القاسم بن احمد شیرکان)، شرف‌الدین ابراهیم بن صدرالدین ابی‌محمد روزبهان ثانی (تحفة العرفان)، عبداللطیف بن صدرالدین ابن محمد روزبهان الثانی (روح الجنان فی سیرة الشیخ روزبهان)، سهروردی، ابوحفص عمر بن محمد بن عبدالله (ترجمه عوارف المعارف به قلم اسماعیل بن عبدالؤمن ابی‌منصور ماشاده)، سلطان ولد (معارف)، نجم‌الدین زرکوب (فتوت‌نامه)، امیرحسن علاء سجزی (فوائد القواد، ابوالمفاخر یحیی باخرزی (اوراد الأعیان)، محمود بن عثمان (فردوس المرشدية فی اسرار الصمدية)، فریدون بن احمد سپهسالار (رساله فریدون سپهسالار)، مکاتب عبدالرحمن اسفراینی با علاءالدوله، عزالدین محمود کاشانی (مصباح الهدایة)، علاءالدوله سمنانی (سر سماع، ما لا بد منه فی الدین، سر البال لذوی الحال، فرحة العالمین و فرجة الکاملین، شرح حدیث ارواح المؤمنین، بیان الإحسان لأهل العرفان، فتح المبین لأهل الیقین، سلوة العاشقین و سکة المشتاقین، توریة، تذکرة المشایخ، شطر نجیة، مکتوبات، چهل مجلس، ترجمه العروة لأهل الخلوۃ و الجلوۃ، از مترجمی ناشناخته، افلاکی (مناقب العارفين).

در بخش سوم کتاب به تأثیر مفاهیم و دیدگاه‌ها در نثر متصوفه پرداخته شده است. مباحث این بخش از فنی‌ترین بخش‌های کتاب است. در آغاز در باب «زبان اشارت» بحثی ارائه شده و سپس به تأثیر مفاهیم خاص در زبان صوفیه در آثار آنان پرداخته شده است. تمام این فصل به بیان این مفاهیم خاص اختصاص دارد؛ از جمله: ادعای دیدن خداوند به چشم دل و واقعاتی از این جنس، دیدار با خضر، برخی احوال اهل ذوق و کشف و شهود، شطحیات و تأویل آنها، طامات. همچنین در گفتاری به علت تمسک صوفیان به زبان اشارت و زبان خاص می‌پردازد؛ از جمله این اسباب اینها را می‌توان ذکر کرد: حالات قلبی، تجربی است و به بیان در نمی‌آید و لاجرم زبانی ویژه طلب می‌کند؛ حفظ اسرار از اغیار نیز صوفیان را ملزم به

استعمال زبان رمز می‌کرده؛ البته متصوفه در برخی آثار تعلیمی نیز به جای زبان اشارت، از زبان عبارت سود می‌جستند. فصل دوم این بخش به واژه‌ها و مقوله‌های متضاد اختصاص دارد. نویسنده در این فصل سعی دارد به چند سؤال عمده در این باره پاسخ دهد: منشأ پیدایش و بروز واژه‌ها و مقوله‌های متضاد در آثار صوفیه، چگونگی امکان طبقه‌بندی آنها، چگونگی کاربرد آنها و شیوه رویارویی آنان با این مقولات و اینکه این واژگان برای بیان چه مفاهیم و اغراضی به کار گرفته شده‌اند. پس از پاسخ به این پرسش‌ها، فهرستی از واژه‌های متضاد ارائه شده است؛ واژه‌هایی چون: آبادی / خرابی، ابد / ازل، اظهار / اسرار، استتار / تجلی و فصل سوم به بحث «تأویل در نزد متصوفه و تجلی آن در مکتوبات و آثار آنان» می‌پردازد. مهم‌ترین موارد تأویل در متون متصوفه اینهاست:

۱. آیات قرآن، ۲. قصص قرآن، ۳. احادیث، ۴. تأویل سخنان اولیا و مشایخ، ۵. تأویل احکام و عبادات، ۶. تأویل بعضی مظاهر دینی، ۷. تأویل ابزار و وسایل و حرکات صوفیانه، ۸. تأویل اعمال و مشاهدات عادی زندگی، ۹. تأویل حروف، ۱۰. تأویل اشعار. فصل چهارم راجع به پیوستگی امور و حالات و وابستگی برخی از مباحث به یکدیگر و تسلسل میان مقامات یا احوال و امثال آن بحثی به اجمال ارائه شده است.

فصل پنجم، به یکی از ویژگی‌های مهم نثرهای صوفیانه پرداخته است: جوهر شعری و وجه آن در نثرهای متصوفه. از بحث‌های جالب این فصل، ذکر قطعاتی از آثار منثور متصوفه است که از قضا - به قول مرحوم اخوان ثالث - منظوم افتاده و رنگ و جلوه شاعرانه به متن داده است. در این گفتار شواهدی از این کتاب‌ها به چشم می‌خورد: کشف المحجوب، شرح شطحیات، روح الجنان، روح الارواح، المصباح فی التصوف، طبقات الصوفیه، مرموزات اسدی، مفتاح النجات، روضة المذنبین، لمعات. حتی از برخی متون شواهدی نقل شده است که وزن‌های کامل عروضی را در آنها می‌توان تشخیص داد؛ مثلاً این بخش از تذکرة الاولیای عطار: «توبه کردم که دگر در وی عاصی نشوم» (فاعلاتن، فعلاتن، فعلاتن، فعلم).

بخش چهارم به بیان بعضی شیوه‌های طرح و توضیح مطلب در نثر متصوفه اختصاص دارد.

فصل اول به مجلس‌گویی و تأثیر شیوه‌های آن بر نثر متصوفه می‌پردازد؛ از جمله: خطابی بودن نثر، گفت‌وگو در کلام، استناد به آیات و احادیث، آوردن ترجمه آیات و احادیث، مناجات، تأویل داستان و حکایت، توصیف، آوردن اشعار در میان سخن، تداعی و از جمله وجه بلاغی، این ویژگی‌ها را می‌توان ذکر کرد: سادگی زبان و گفتاری بودن آن، موزون بودن کلام، تکرار، پرسش و

عجاب، تقیید مُسندُالیه یا مُسند به صفت، حسی کردن مطالب و... در فصل دوم شیوه‌های طرح و بیان مطلب ادامه پیدا کرده است: استناد به آیات و احادیث و سخنان مشایخ، شیوه فلاسفه و متکلمان، گفت‌وگو، سؤال.

بخش پنجم درباره مقتضای حال در نثر صوفیانه است.

در فصل اول به این مباحث پرداخته شده است: خطابی بودن نثر (فراوانی فعل‌های امر، فراوانی نداء، ضمیرهای خطابی، قیدهای خطاب و تحذیر و...).

در فصل دوم به اختصار به القای حالات عاطفی پرداخته می‌شود. فصل سوم به تبیین مسئله آراستگی نثرهای صوفیانه به شعر می‌پردازد. فصل چهارم درباره ترجمه عبارات عربی در نثرهای متصوفه سخن می‌گوید و شش شیوه از ترجمه‌های منقول در آثار را توضیح می‌دهد. فصل پنجم به کاربردهایی از زبان عامیانه و تأثیرات گویش‌ها بر ساختارهای نحوی متون می‌پردازد.

بخش ششم، آخرین بخش کتاب، در ۲ فصل به بعضی وجوه بلاغی در آثار متصوفه می‌پردازد. در فصل اول، تکرار و تناسب در نثرهای متصوفه بررسی می‌شود:

۱. تکرار: الف. تکرار آوایی (شامل بحثی تفصیلی در باب سجع و ارتباط آن با موضوع روایت‌شده در متن، سجع از دیدگاه صوری، انواع جناس، در کنار هم آوردن واژه‌هایی که با یکدیگر نوعی جناس می‌سازند، آوردن واژه‌هایی هم‌وزن در کنار یکدیگر، کنار هم آوردن واژه‌های هم‌وزنی که در صامت یا مصوت آخر مشترکند)، ب. تکرار واژه و عبارت، ج. طرد و عکس تناسب.

فصل دوم به صور خیال در نثرهای متصوفه اختصاص دارد. از جمله صور خیالی که مورد بحث قرار گرفته و شواهدی از این متون برای هر کدام ذکر شده، اینهاست: ۱. تشبیه (شامل نوع و ساختار تشبیهات و حالات مشبّه‌ها و مشبّه‌به‌ها، فهرستی از مشبّه‌به‌ها به تفکیک آماری در ۶ صفحه، که از لحاظ مطالعه تاریخ تحول بلاغت فارسی بسیار می‌تواند راهگشا باشد، فهرستی از تشبیه‌ها با ارجاع به متن در ۶۲ صفحه، که فهرستی بسیار مفید در مطالعات بلاغی است).

۲. مثال و تمثیل و روایت. در ادامه این قسمت نیز فهرستی بسیار مفید با شواهدی از متون از موارد تمثیل‌ها ارائه شده است.

۳. جان‌بخشی و تشخیص.

۴. متناقض‌نمایی.

۵. ترکیب‌های کنایی و مجازی.

در پایان مباحث ارائه‌شده در متون، خود نویسنده حاصل و نتیجه به‌دست‌آمده از پژوهش را به اختصار بیان کرده است:

«قرن پنجم تا هفتم و اوایل قرن هشتم، دورانی است که حوادث و مصائب تاریخی در جامعه ایرانی سیر صعودی دارد و آن، یکی از علت‌های مهم رواج تصوف و عرفان در میان مردم است. یکی

از نمودهای این رشد، پیدایش آثار ادبی-عرفانی است، که بخشی مهم از آنها را نثرهای صوفیانه تشکیل می‌دهد و جالب آن است که نثرنویسی در تصوف ایرانی، مقدم بر پیدایش اشعار عارفانه است. نثرهای صوفیانه بیشتر با هدف تعلیم و تبلیغ تصوف در میان مردمان عوام و متوسط و دفاع از تصوف در برابر مخالفان (فقیهان، متکلمان، حکیمان) پدید آمده و بعضی از آثار نیز - که آنها را آثار تغزلی نامیده‌ایم - بیشتر برای ارضای خاطر نویسنده و بیان حالات قلبی نوشته شده است. از سویی دیگر، شیوه کار متصوفه بر تدوین کتاب و رساله، گفتار و مجلس گفتن مبتنی بوده است. با توجه به جمع عوامل مذکور - یعنی: هدف‌ها، مخاطبان و شیوه تعلیم و تبلیغ - آثار آنان را می‌توان طبقه‌بندی کرد؛ اما در همین طبقه از آثار نیز، در مجموع به دو شیوه بیان برمی‌خوریم: یکی «زبان تعلیم» یا «زبان عبارت»، و دیگری «زبان اشارت».

متصوفه، خود برای پیدایش زبان اشارت توجیهاتی آورده‌اند؛ اما آنچه از همه مهم‌تر است، ذهن شهودی آنان است که با عالم غیب و ملکوت ارتباط می‌یابد و لبریز از شوق و ذوق و احساس است و این ذهن که خاص عارفان است، زبان آنان را رنگی خاص می‌دهد؛ زیرا مطالبی که آنان درمی‌یابند و بیان می‌کنند، زبانی خاص می‌طلبد؛ زبانی که پر است از واژه‌های متضاد، تعبیرات و مفاهیم متناقض‌نما، طرد و عکس، مفاهیم تاویلی فراوان و سرشار از عاطفه و احساس و عشق و همراه با تخیلی قوی که بیشتر مبتنی بر تشبیه - به عنوان یکی از ارکان خیال - است و سه عنصر تشبیه (گسترده و بلیغ) و تمثیل و مثال در آن بر دیگر عناصر خیال غلبه دارد.

دیگر دیدگاه‌های عارفانه آنان، مانند گرایش به باطن نیز در شکل این زبان ویژه، سهمی خاص دارد.

اگرچه تحول نثر صوفیانه در دوره مورد مطالعه، تابع تحول عمومی نثر فارسی نیز هست، اما در مجموع، هم به دلیل نوع موضوع و هم به سبب هدف‌هایی که متصوفه از تألیف آثار خود داشته‌اند و به دلیل رعایت اقتضای حال مخاطبان، معمولاً به ساده‌نویسی متمایل بوده‌اند و نثر خود را به شعر آمیخته‌اند و توجهی خاص به رباعی - که آن هم قالبی است عامیانه و متناسب با مفاهیم حالی و کوتاه - داشته‌اند» (صص ۵۱۷-۵۱۸).

فهرست منابع، فهرست اعلام تاریخی، فهرست کتاب‌ها و رساله‌ها و فهرست اعلام جغرافیایی پایان‌بخش کتاب است.

کتاب سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه را می‌توان نمونه‌ای تمام‌عیار از یک پژوهش دانشگاهی دانست که با انسجام و نهایت نکته‌سنجی و تحلیل ریزترین زوایای آثار موضوع پژوهش، از عهده تبیین مسئله برآمده است.